

مقدمه

هدف این کتاب مقایسه زمان و وجه فعل در زبانهای فارسی و فرانسه است تا روشن شود که چه وجه‌ها و زمانهایی معادل یکدیگرند و چه وجه‌ها و زمانها و کاربردهایی ویژه یکی از دو زبان است و در زبان دیگر معادل دستوری ندارد، و نیز روشن شود که کاربردهای ویژه یکی از دو زبان را در زبان دیگر چگونه ترجمه باید کرد. می‌دانیم که در زبان فارسی فعل سه وجه دارد¹ (وجه اخباری، وجه التزامی، وجه امری)، در حالی که در زبان فرانسه شش وجه به کار می‌رود:

l'indicatif, le conditionnel, le subjonctif, l'impératif, le participe, l'infinitif.

در مورد زمان هم ساختارهای دستوری دو زبان یکسان نیست و ما در ذیل ابتدا ساختارهای زمان فعل را در زبان فرانسه و سپس در زبان فارسی یادآوری می‌کنیم و با مقایسه آنها می‌کوشیم تا راه درست ترجمه زمانهای هر یک از دو زبان را به زبان دیگر روشن سازیم و از آنجا که فعل در هر دو زبان فارسی و فرانسه افزون بر زمان ساختاری در کاربردهایی ویژه برای بیان مفاهیم یا زمانهایی دیگر هم به کار می‌رود، می‌کوشیم تا آن کاربردها را نیز در زبان فرانسه و معادل آنها را در زبان فارسی روشن سازیم.

همان‌گونه که گفته شد ابتدا تابلویی از وجه‌ها و زمانهای فعل فرانسه را به تربیت به دست می‌دهیم و آنگاه می‌کوشیم تا معادل هر یک از فعلهای فرانسه را (چه فعلهایی که کاربردی عادی دارند و چه فعلهایی که با کاربردی ویژه به کار می‌روند) در زبان فارسی بیابیم.

در پایان هر یک از این بررسیها، تمرینهایی را خواهیم آورد که معادلهای فارسی کاربردهای فعل در زبان فرانسه و نیز معادلهای فرانسه کاربردهای فعل در زبان فارسی را در ذهن دانشجویان جا بیندازد.

| | | |
|--|---|---|
| <p>1. Mode indicatif Présent Imparfait Passé simple Passé composé Plus-que-parfait Passé antérieur Futur simple Futur antérieur</p> | <p>3. Mode subjonctif Présent Passé Imparfait Plus-que-parfait</p> | <p>5. Mode infinitif Présent Passé</p> |
| <p>2. Mode conditionnel Présent Passé Passé 2^{ème} forme</p> | <p>4. Mode imperative Présent Passé</p> | <p>6. Mode participe Présent Passé</p> |

1. برخی از دستور نویسندگان از وجه‌های مصدری، وصفی و دعایی نیز نام برده‌اند. ارژنگ در این باره می‌نویسد: امروزه تنها بعد از جمله‌های پایه «می‌توان» و «باید» و «می‌شود» و «بتوان» جمله پیرو به صورت مصدر می‌آید: می‌توان رفت. باید کار کرد. اگر بتوان رفت، می‌رویم. نمی‌شود خاموش ماند. این پیروها قابل گشتار به جمله التزامی هستند: نمی‌توانی بروی. اگر بتوانی بروی، می‌روی. باید بروی. نمی‌شود بمانی. زمان و وجه فعل جمله‌هایی هم که به صورت وصفی می‌آیند، تابع زمان و وجه فعلی است که به قرینه آن، به صورت وصفی آمده است. بنابراین با آن، هم وجه خواهد بود:

فردا به آنجا رفته و او را خواهم دید. ...خواهم رفت و ... خواهد دید.

باید فردا پیش او رفته و او را ببیند ...برود و ... او را ببیند.

دعا و نفرین هم امروزه به صورت التزامی می‌آید: خدا او را بکشد. (ارژنگ، ص 142)